

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۳۹-۱۱۳

سفارت و سفارت نامه نویسی در ایران و عثمانی (با تأکید بر سفارت نامه انوری افندی و میرزا تقی خان)^۱

نصرالله صالحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶

چکیده

دولت‌ها پیش از استقرار سفرای مقیم در پایتخت‌ها، افرادی را به‌عنوان فرستاده (رسول، ایلچی، سفیر) انتخاب و برای انجام مأموریت مشخص به‌عنوان سفارت به ممالک دیگر اعزام می‌کردند. فرستادگان، شرح «سفر» و «سفارت» خود را به‌صورت مکتوب به دربار گزارش می‌کردند. نوشته‌های ایلچیان اعزامی دارای دو بخش بود: شرح سفر/ سیاحت و گزارش نحوه انجام مأموریت/ سفارت و نتایج آن. سفرای اعزامی، در کنار سفارت، سیاحت هم می‌کردند. پس، هدف اصلی سفارت بود، نه سیاحت. چیزی که دولت‌ها از سفرای اعزامی مطالبه می‌کردند، انجام مأموریت و ارائه گزارش مکتوب آن بود. در بیشتر مواقع، مسئولیت نوشتن صورت‌محاسن مذاکرات، نامه‌ها و گزارش‌ها با منشیان و کاتبان چیره‌دست بود. مجموعه نوشته‌های سفرای اعزامی در حکم «سفارت نامه» بود. سفارت و سفارت نامه نویسی در ایران و عثمانی، از مسائل مهم در حوزه تاریخ سیاسی و دیپلماسی است. جستار حاضر می‌کوشد با گزارشی توصیفی، به موضوع فوق‌بپردازد و سویه‌های ناشناخته آن را به‌خوبی روشن نماید. بنا به یافته‌های پژوهش، با وجود قدمت سفارت نامه نویسی در ایران، «سفارت نامه»ها به غلط ذیل «سفرنامه/ سیاحت نامه» تعریف شده است. همچنین «سفارت نامه پژوهی» مورد اعتنا نبوده و به تبع آن، مطالعات مربوط به «تاریخ دیپلماسی» نحیف مانده است؛ به دو دلیل: عدم انتشار اسناد و مدارک اصیل مربوط به تاریخ مناسبات خارجی، به‌ویژه سفارت نامه‌های سفرا و مأموران اعزامی به ممالک دیگر و دیگر تلقی و برداشت نادرست «سفرنامه»ای از «سفارت نامه»ها.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، سفارت نامه، سفارت نامه نویسی، سفارت نامه پژوهی، تاریخ دیپلماسی، ایران، امپراتوری عثمانی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.47825.1743

۲. دانشیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. n.salehi@cfu.ac.ir

مقدمه

از زمان استقرار واحدهای سیاسی در جوامع انسانی و پیدایش دولت - شهرها، لزوم برقراری روابط میان دولت‌ها برای تأمین منافع و دفع تهدیدات، اهمیت یافت. پس، مناسبات خارجی بر مدار برقراری روابط و تداوم و گسترش روابط شکل گرفت. دولت‌ها با انتخاب مأموران و سفرا و اعزام آن‌ها به دربارهای مختلف، مناسبات خارجی خود را شکل می‌دادند. شکل‌گیری، تداوم و پیچیده‌شدن مناسبات خارجی، منجر به انباشت تجارب بشری در عرصه مناسبات بین‌المللی شد. با گسترش و پیچیده‌شدن روابط میان دولت‌ها، مدیریت مناسبات خارجی به امری چندوجهی تبدیل شد و مفهوم «دیپلماسی» پدید آمد. از دیپلماسی گاه به علم و آگاهی به اصول و رموز مناسبات خارجی ملل و استعمال قوانین حقوق ملل تعبیر شده (ممتحن‌الدوله شقاقی، ۱۳۷۹: ۵) و گاه به «هنر مدیریت مناسبات خارجی با وساطت نمایندگان سیاسی یا سفرا تعریف شده» است؛ از این رو، «توجه به خاطرات و گزارش‌های سفیران در خصوص فعالیت‌هایشان فوق‌العاده مهم» است (احسان اوغلو، ۱۳۹۷: جلد ۱: ۳۱۶).

بیشتر دولت‌ها پیش از تأسیس سفارت‌خانه‌ها و استقرار سفرای مقیم و دائم در پایتخت‌ها، افرادی را به‌عنوان فرستاده^۱ (رسول، ایلچی، سفیر) انتخاب و برای انجام مأموریت مشخص به‌عنوان سفارت به ممالک دیگر اعزام می‌کردند. از دید سفیر ایران در اسلامبول، «معنی سفیر و ایلچی این است که دولت نیت و اسرار باطنی خود را در اموراتی که تعلق به مقام آن مأموریت دارد مخفیاً بیان نموده و از او بخواهد که به‌قدر امکان به هر وسیله که در قوه دارد اجرای آن نیت را منظور داشته باشد» (سواد مکاتبات، شماره ۷۲: ۲۱۶). مشیرالدوله در نامه‌ای دیگر «میزان ترقی و تربیت و استعداد یک ملت در انظار ملل و دول خارجه را منحصر به چهار فقره» دانسته است. مورد چهارم از دید او «فرستادن سفرای مؤدب و با تربیت و با اطلاع از حقوق دول و ملل» است که «هم حفظ شأن و حقوق دولت متبوعه خود او نماید و هم به کثرت مراوده و رفتار حسنه قلوب ملت و تحصیل دوستی آن دولتی که در دربار او اقامت دارد به عمل تواند آورد، با آن توجهات مخصوصه» (همان: ۱۷۵).

فرستادگان دولت‌ها، اغلب موظف بودند شرح سفر و سفارت خود را به‌صورت مکتوب به دربار گزارش کنند. آنچه توسط فرستادگان اعزامی به نگارش درمی‌آمد، اغلب دارای دو بخش بود: شرح مفصل سفر/ سیاحت، از آغاز تا پایان و گزارش نحوه انجام مأموریت/ سفارت و نتایج حاصل از آن؛ بنابراین، آثار مکتوبی که فرستادگان به عالی‌ترین مقام کشور تقدیم می‌کردند، از حیث مضمون و محتوا، تلفیقی بود از شرح سفر/ سیاحت و نامه سفارت.

1. envoy

سفرای اعزامی، در کنار سفارت، سیاحت هم می‌کردند. پس، هدف اصلی سفارت بود، نه سیاحت. دولت‌ها آنچه بعد از بازگشت سفرای اعزامی از آن‌ها مطالبه می‌کردند، انجام مأموریت و ارائه گزارش مکتوب آن بود. چون احتمال می‌رفت شخص سفیر یا سفرای اعزامی به دلیل اشتغال به امور سیاسی و دیپلماسی خود شخصاً مجال نوشتن شرح مأموریت را نداشته باشند، در بیشتر مواقع مسئولیت نوشتن صورت‌مجلس مذاکرات، نامه‌ها و گزارش‌ها برعهده منشیان و کاتبان چیره‌دست گذاشته می‌شد. مجموعه این نوشته‌ها در حکم «نامه سفارت» بود که از آن به «سفارت‌نامه» تعبیر می‌شود. با این که سفارت و سفارت‌نامه‌نویسی در ایران دارای قدمت زیادی است، اما در مطالعات تاریخی، سفارت‌نامه‌پژوهی مورد اعتنا نبوده^۱ و به‌تبع آن، مطالعات مربوط به تاریخ دیپلماتیک نحیف مانده است. به دو دلیل: عدم انتشار اسناد و مدارک اصیل مربوط به تاریخ روابط خارجی، به‌ویژه سفارت‌نامه‌های سفرا و مأموران اعزامی به ممالک دیگر و دیگر تلقی و برداشت نادرست «سفرنامه» ای از «سفارت‌نامه»‌ها.

نخستین بار مرحوم اقبال در مقاله‌ای زیر عنوان «چند سفرنامه از سفرای ایران»، چند سفارت‌نامه از سفرا و مأموران اعزامی ایران را به‌عنوان آثار «سفرنامه» ای بررسی کرد (اقبال: ۱۳۲۸). این برداشت نادرست از متون سفارت‌نامه‌ای، به‌جز موارد نادر تا به امروز ادامه یافته است. محض نمونه، نویسنده مقاله‌ای با عنوان «اهمیت سفارت‌نامه خوارزم در سنت سفرنامه‌نویسی عصر قاجار» در سراسر نوشته خود، اثر هدایت را «سفرنامه» دانسته و درباره «علل تدوین سفرنامه» خوارزم به تفصیل سخن گفته است (پناهی، ۱۳۸۷: ۸۸). درحالی‌که به موجب فرمان و دستورالعمل امیرکبیر به هدایت، او در درجه نخست به‌عنوان مأمور و فرستاده سیاسی موظف بود درباره برخی مسائل فی‌مابین از جمله «اطلاق اسرای مسلمان و منع بیع و شرای» آنان مذاکره و گفت‌وگو کند. پناهی در نوشته خود حتی به‌جای اصطلاح «سفارت‌نامه» از «سفرنامه» استفاده کرده و به‌جای عنوان اثر که «سفارت‌نامه خوارزم» است، به‌خطا تعبیر «سفرنامه خوارزم» به کار برده است (همان: ۸۸).

نویسنده دیگری اثر هدایت را در مقاله‌ای با عنوان «سفارت‌نامه خوارزم: آخرین هیئت ایرانی در آسیای میانه قرن نوزدهم» از منظر سیاسی و دیپلماتیک بررسی کرده است (گرانمایه: ۱۳۸۱). گرانمایه که سال‌ها دیپلمات وزارت امور خارجه بوده، با برداشت درست از ماهیت اثر هدایت می‌نویسد: «تعدادی از سفرای ایرانی که در دوره قاجار به خارج از کشور اعزام شده

۱. مقایسه کنید با حجم و تنوع پژوهش‌های انجام‌شده در ترکیه درباره سفارت‌نامه‌ها به صورت مقاله، کتاب و پایان‌نامه. برای آگاهی از کتاب‌شناسی این پژوهش‌ها، نگاه کنید به دو مقاله آکیوز (Akyüz) و کورکوت (Korkut) در منابع.

بودند، شرح مأموریت خود را به رشته تحریر کشیدند... در نتیجه شرح مأموریت هدایت به خبیه که در سفارت‌نامه خوارزم ارائه شده، در بافت تاریخ دیپلماسی ایران و قدرت رو به افول آن در این دوره موردی استثنایی» است (گرانمایه، ۱۳۸۱: ۸۹).

نویسنده دیگر در مقاله «کتاب‌شناسی توصیفی سفارت‌نامه‌های فارسی» اگرچه مفهوم اصطلاح «سفارت‌نامه» را به درستی دریافته، اما آن در ذیل «سفرنامه»ها آورده و نوشته است: «بخش مهمی از سفرنامه‌ها، متونی است که سفرا و مأموران سیاسی دولت‌ها در تشریح چگونگی مسافرت و مذاکرات خود در کشورهای بیگانه به رشته تحریر کشیده‌اند که به «سفارت‌نامه» معروف است (الهی، ۱۳۸۲: ۸۳-۱۲).

وی درباره تاریخ سفارت‌نامه‌نویسی در ایران و غرب به خطا رفته است. می‌نویسد: سفارت‌نامه «علی‌رغم آن که سابقه طولانی در سنت سیاسی و دیپلماسی غرب دارد، لیکن در ایران و در زبان فارسی پدیده‌ای تازه به‌شمار می‌رود که سابقه آن به زحمت بیش از ۲۰۰ سال می‌شود (همان). نویسنده در ادامه با آوردن شاهد مثالی از نخستین آثار سفارت‌نامه‌ای در زبان فارسی، بر تناقض‌گویی خود صحنه گذاشته است. می‌نویسد: «یکی از اولین نمونه‌های سفارت‌نامه‌نویسی در زبان فارسی شرحی است که عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین و مجمع البحرین درباره سفر خود به هند در سال ۱۴۴۱/۸۴۵ که به سفارت ازسوی شاهرخ تیموری صورت گرفته، به دست» می‌دهد (همان). از تاریخ نگارش اثر مذکور پیداست که این اثر درست ۶۰۱ سال قبل نوشته شده است؛ بنابراین، به‌رغم قدمت سفارت‌نامه‌نویسی در ادبیات ایران، سفارت‌نامه‌پژوهشی امری مغفول بوده است. در چند پژوهش جدید درباره سفارت و سفرا نیز هیچ اشاره‌ای به سفارت‌نامه‌نویسی نشده است.

شرفی و یاری‌مطلق (۱۴۰۱) در مقاله «سفارت در دوره ایلخانی و تیموری: موانع و چالش‌ها»، تنها به موانع، مشکلات و چالش‌های سفرا پرداخته و اشاره‌ای به آثار مکتوب سفرای اعزامی نکرده‌اند. همچنین در مقاله دیگری (۱۴۰۲)، با عنوان «سفارت در دوره تیموریان: تشریفات استقبال و باریافتن سفرا» بیشتر به آداب تشریفات سفارت نظیر آداب و آیین ورود، اسکان، پذیرایی و بازگشت سفرا پرداخته شده است؛ بنابراین، نویسندگان این دو مقاله، به ادبیات سفارت‌نامه‌نویسی در جریان عزیمت و بازگشت سفرا ورود نکرده‌اند. متولی (۱۳۹۶) در کتاب *مبانی، چارچوب‌ها و الگوهای سفارتی و مکاتباتی در ایران عصر صفوی* سخنی از سفارت‌نامه‌نویسی به میان نیاورده و تنها درباره «ویژگی‌ها و آداب مربوط به امور سفارتی» و «اهمیت و جایگاه مکاتبات در عرصه‌های مناسباتی» بحث کرده است.

شهری برآبادی (۱۳۶۹)، در مقاله «گشت و گذاری در سفرنامه‌های سیاسی» با تلقی

«سفرنامه» ای از «سفارت» نامه، سفرنامه‌ها را به دو دسته معمولی و سیاسی تقسیم کرده، می‌نویسد: «منظور از سفرنامه‌های سیاسی... تعدادی از سفرنامه‌های ایرانی است که علت پیدایش آن، مأموریت هیئت‌های سیاسی ایرانیان به خارج از کشور بود. در این سفرنامه‌ها برخلاف سفرنامه‌های معمولی، مسافر یک فرد معمولی نیست که هر کجا خواست برود... بلکه مسافران دسته‌ای از مردان سیاسی هستند که یک نفر در رأس آنان قرار دارد... رئیس هیئت به‌عنوان سفیر یا ایلچی برای انجام مأموریتی ویژه مستقیماً از طرف شخص شاه برگزیده می‌شد و وظیفه داشت گزارش دقیق و نتیجه مأموریت و مشروح مذاکرات سیاسی خود را پس از برگشت به شاه گزارش دهد (۱۳۶۹: ۱۱۹). وی در ادامه می‌نویسد: «اغلب هیئت‌های سیاسی که گزارش سفرشان به‌صورت «سفرنامه» ای به دست ما رسیده همان هیئت‌های سیاسی هستند که به مغرب زمین رفته‌اند» (همان: ۱۲۰). برخلاف این نظر، گزارش‌های سیاسی سفرای اعزامی ایران دارای تنوع و تعدد زیادی است. از قضا، نخستین سفرا و ایلچیان ایران راهی سرزمین‌های شرقی از سیام و چین تا هند و خوارزم شده و آثار مکتوب مهمی از خود به‌جا گذاشته‌اند.

مشایخ فریدنی (۱۳۸۵)، در مقاله «سفیر شاهرخ در دکن» به بررسی سفارت عبدالرزاق سمرقندی به دربار هند در سال ۸۴۵ قمری پرداخته است. او نیز تلقی «سفرنامه» ای از مقوله سفارت داشته است. درحالی‌که سفیر شاهرخ با هدایا و نامه‌های شاهرخ با مأموریت مشخص سیاسی راهی دربار هند شد و بعد از بازگشت، کتاب *مطلع السعدين*... را در شرح سفر و سفارت خود نوشت.

در ادبیات عثمانی برخلاف ادبیات ایران، میان «سیاحت»^۱ و «سفارت» تفکیک و تمایزی مشخصی صورت گرفته است. نخستین بار هامر پورگشتال فهرستی از سفرای اعزامی عثمانی به ممالک دیگر تا ۱۱۸۸/۱۷۷۴ را ارائه داد. او مشخصات ۲۰۵ ایلچی یا مصلحت‌گزار اعزامی به ممالک دیگر را برشمرد (Unat: 1992, 1). بعد از هامر، شماری از پژوهشگران ترک در قالب مقاله و کتاب به تفصیل سفارت‌نامه‌های عثمانی را معرفی و بررسی کرده‌اند. زکی ولیدی طوغان در کتاب *اصول تاریخ*، سیاحت‌نامه‌ها و سفارت‌نامه‌های نویسندگان ترک را به تفصیل معرفی و بررسی کرده است (Bozkurt: 2009: 289). اونات در کتاب *سفرای عثمانی و سفارت‌نامه‌های آن‌ها* (1992)، دست به پژوهش گسترده زده است. بعد از کار مهم او، تعدادی از سفارت‌نامه‌های عثمانی تصحیح و منتشر شده است. همچنین مقاله‌های متعددی درباره سفارت‌نامه‌نویسی و سفارت‌نامه‌های عثمانی نوشته شده است (نک. منابع).

۱. درباره «سیاحت» و «سیاحت‌نامه» در ادبیات ترک، نک. Maden. 2008.

جُستار حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که چرا باتوجه‌به قدمت سفارت و سفارت‌نامه‌نویسی در ایران نسبت‌به عثمانی، در مطالعات تاریخی، «سفارت‌نامه‌پژوهی» مورد اعتنا نبوده و به‌تبع آن، مطالعات مربوط به «تاریخ دیپلماسی» نحیف مانده است.

سفارت‌نامه‌نویسی در عثمانی

در ادبیات عثمانی، «سفارت‌نامه»ها، گونه‌ای ادبی به شمار می‌آیند که ایلچیان اعزامی به ممالک دیگر به رشته تحریر درمی‌آوردند (Beydilli, 2009/36: 289). آنچه به قلم آن‌ها به نگارش درمی‌آمد، نظیر نامه، رساله، گزارش، سیاحت‌نامه و حوادث‌نامه، سفارت‌نامه گفته می‌شد (Gürsoy Altuniş, 2002/12: 582). ایلچیان، سفارت‌نامه خود را طی مراسم رسمی، به پادشاه، صدراعظم یا رئیس‌الکتاب تقدیم می‌کردند. دولت عثمانی، به‌منظور اعلام جلوس پادشاه، مذاکره برای برقراری صلح، اعلام صلح، ارسال هدایا، تقدیم مکتوب پادشاه، درخواست باج و خراج، اعلام خبر فتح و ظفر، تسلیت درگذشت پادشاه، تهنیت جلوس پادشاه، شرکت در مراسم تاج‌گذاری، آگاهی از شروط عهدنامه، اعلام نارضایتی از شروط عهدنامه، میانجی‌گری و وساطت، آگاهی از دیدگاه دولت‌های دیگر درباره دولت عثمانی، جلب نظر دولت‌های دیگر برای حمایت از دولت عثمانی، تشویق و ترغیب دولتی برای دشمنی با دولت دیگر، برقراری دوستی و اتحاد با دولتی دیگر و موضوعاتی از این دست، به ممالک دیگر، «ایلچی فوق‌العاده» اعزام می‌کرد (Gürsoy Altuniş, 2002/ 12:582).

بنابه برآورد پورگشتال، از زمان تأسیس دولت عثمانی تا معاهده کوچوک قینارجه (۱۷۷۴/۱۱۸۸) در حدود دویست و پنج هیئت سفارت به ممالک دیگر اعزام شده است، اما از این تعداد، تنها ۴۲ گزارش رسمی در قالب «سفارت‌نامه» باقی مانده است (Savaş, 1999: xv). در این که شماری از این آثار از بین رفته، تردید نیست؛ اما باید در نظر داشت که میراث مکتوب عثمانی هنوز کامل طبع و نشر نشده است (Ibid). قدیمی‌ترین سفارت‌نامه هیئت اعزامی به اروپا، متعلق به قره‌محمدپاشا است که در شرح سفارت وین (۱۰۷۵/۱۶۶۵) به قلم کاتب او، اولیا چلبی، به رشته تحریر درآمده است (Unat, 1992: 47). از گزارش‌های سفیرانی که به ایران اعزام شدند، نخستین آن‌ها، سفارت‌نامه احمد دربی افندی (۱۱۳۳/۱۷۲۱) است (ریاحی، ۱۳۶۸: ۲۴؛ صالحی، ۱۳۹۱: ۶۳۳-۶۳۲ و ۱۷).

عثمانیان تا پیش از آشنایی با ممالک فرنگ، نگاهشان به مشرق، خاصه ایران بود. دستگاه خلافت عثمانی، «از نظر آداب و رسوم دیوانی و کشورداری ادامه سنت‌های دولت ساسانی» بود. این سنت‌ها، یکی از راه سلاجقه و دیگر از راه بغداد به قسطنطنیه رسیده بود (ریاحی، ۱۳۶۸:

۱۹). در کتاب *فسطاط العداله فی قواعد السلطنه* که محمد بن محمد الخطیب آن را در ۶۸۳ در روم به نام سلجوقیان آن دیار تألیف کرده و از *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک بهره گرفته، فصلی «در احوال رسولان» دارد (همان: ۱۶).

زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی فرهنگ ایرانی، در دوره عثمانی در کنار زبان ترکی، جایگاه مهمی به‌عنوان زبان ادب و نگارش علمی یافت (نوریلدز، ۱۳۹۱: ۲۲۲). جدای از زبان، سنت تاریخ‌نویسی فارسی نیز از ایران به عثمانی راه یافت و بسط پیدا کرد (صالحی، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۰۹). از نیمه قرن دهم به بعد، برخی از نخبگان ایرانی راه‌یافته به دربار عثمانی، با احراز منصب رسمی شاهنامه‌نویسی، تاریخ سلاطین عثمانی را به سبک *شاهنامه*، به نظم فارسی درآوردند (صالحی، ۱۳۹۵: ۱۱۴؛ وودهد، ۱۳۸۷: ۳۷۹-۳۴۴). علاوه بر این‌ها، شماری از آثار برجسته فارسی، نظیر *شاهنامه*، *قابوسنامه* و *سیاست‌نامه* و برخی متون معتبر تاریخی در دوره‌های مختلف، به زبان ترکی عثمانی ترجمه شد.

سفارت‌نامه‌نویسی در عثمانی، در امتداد وقایع‌نویسی شکل گرفت (اوزترک، ۱۳۹۱: ۹۸-۸۹). وظیفه کاتبان همراه ایلچیان/ سفیران، درحقیقت وقایع‌نویسی هیئت‌های سفارت به ممالک دیگر بود. پاکالین، نویسنده مهم‌ترین فرهنگ‌تعبیر و اصطلاحات عثمانی، کلمات هم‌پیوند با «سفارت» در ترکی عثمانی، نظیر «سفیر»، «سفارت‌خانه»، «سفارت ترجمانی» و «سفارت‌نامه» را شرح داده است (Pakalin, 1993/ 3: 138-139). این کلمات، به احتمال قوی از زبان فارسی وارد ترکی عثمانی شده‌اند. باری، از نیمه دوم سده هفدهم/ یازدهم که نخستین سفارت‌نامه به رشته تحریر درآمد، سفارت‌نامه‌نویسی، در تشکیلات دیوانی عثمانی آغاز و تداوم یافت.^۱ در عثمانی، کاتبان و منشیانی که مسئولیت ثبت وقایع سفارت را برعهده داشتند، آثار خود را دقیقاً با عنوان «سفارت‌نامه» به پایان می‌رساندند. سفارت‌نامه‌ها اگرچه با سیاحت‌نامه‌ها/ سفرنامه‌ها^۲ دارای وجوه اشتراک هستند، در ماهیت با یکدیگر متفاوت‌اند. سفرنامه‌ها بیشتر در وصف سیروسیاحت به نگارش درآمده‌اند. *The book of travels*. درحالی‌که سفارت‌نامه‌ها

۱. برای آگاهی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره سفارت‌نامه‌های عثمانی و نیز کتاب‌شناسی سفارت‌نامه‌ها (نک. Korkut, 2003) همچنین:

Akyüz, Hüseyin, *Sefaretnameler ve Sefaretname Çalışmaları Bibliyografyas*.

این مقاله بدون نشانی محل چاپ، به‌صورت pdf در فضای مجازی در دسترس است. همچنین (نک. Afyoncu, 2007: 108-119)

۲. در ترکی عثمانی به‌جای کلمه «سفرنامه» از واژه «سیاحت‌نامه» استفاده می‌شود نمونه: سیاحت‌نامه اولیا چلبی (سامی، ۷۵۳). کلمه «سفر» در متون عثمانی بیشتر به‌معنای رفتن به حرب و محاربه و غزاست. «حرب و غزایه عزیمت، محاربه گیدیش: تبریز سفری، بلغراد سفری...» (نک. سامی، ۷۲۴).

به‌عنوان گزارش سفارت و مأموریت رسمی که می‌بایست تقدیم پادشاه، صدراعظم یا رئیس‌الکتاب گردد، به رشته تحریر درمی‌آمدند - The book of embassy.^۱ سفرای عثمانی که تا قبل از ۱۷۹۳/۱۲۰۸ گاهی به کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی اعزام می‌شدند و نیز سفرایی که بعد از آن تاریخ، به‌طور دائم به برخی از پایتخت‌ها و مراکز جهان اعزام شدند، اغلب خاطرات و مذاکرات ملاقات‌هایشان را به‌دلیل محرمانه‌شمردن، نوشته‌اند؛ حال آن‌که «سفارت‌نامه»های مذکور می‌توانست تاریخ دیپلماسی عثمانی را روشن‌تر کند و بدان جهت دهد (احسان اوغلو، ۱۳۹۷: جلد ۱: ۳۱۶). سفرای مزبور در طول مأموریت، فقط به شرح مشاهده مکان‌ها و بازدیدها و نیز حضور در انواع مراسم باشکوه پرداخته‌اند. چنان‌که از یرمی سَکِز چلبی که در زمان صدراعظمی داماد ابراهیم پاشا به فرانسه رفته بود یا از سفرایی که در دوران سلطان سلیم سوم به کشورهای اروپایی اعزام شدند، درخواست شده بود که تحولات و آبادانی کشورهای محل مأموریت خود را گزارش دهند.

البته سفرایی نیز که به کشور عثمانی می‌آمدند، وضعیت مشابهی داشتند و در خاطراتشان فقط به شرح مفصل عظمت استانبول، وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم و ساختار اداری عثمانی پرداخته‌اند و درخصوص ملاقات و مذاکراتشان اطلاعات و گزارش‌هایی نوشته‌اند. در بین سفرای اعزامی اتریش به‌جز اشتفان گِرخ‌لاخ سایر سفرا درخصوص فعالیت‌های دیپلماتیک‌شان مطالب مهمی ارائه نکرده‌اند و از این‌روی در ارتباط با توطئه‌های راجع به مذاکرات صلح زیتواتوروک اطلاعاتی درج نشده است (همو، ۱۳۹۷: جلد ۱: ۳۱۷). سلطان سلیم سوم از سال ۱۷۹۳/۱۲۰۸ با اعزام سفرای دائمی به پایتخت‌های کشورهای اروپایی و توسعه کار در سفارت‌ها، مهم‌ترین نقطه عطف دیپلماسی عثمانی را به وجود آورد (همان، ۱۳۹۷: جلد ۱: ۳۱۹).

سفارت‌نامه‌نویسی در ایران

در ایران، سابقه اعزام سفیر (قدس نخعی، ۱۳۹۰: ۳۷-۹) و آیین سفارت (محیط طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۳-۳۹)، به دوران باستان می‌رسد. کهن‌ترین رسوم معمول درباره مأموریت سفیران و تشریفات استقبال و پذیرایی از آن‌ها، در دوره ساسانی معمول بوده و در دوره سامانی نیز ادامه یافته است. شاهنامه، بهترین سند در این زمینه است. در شاهنامه و سایر آثار دوره سامانی،

۱. کلمه «سفارت‌نامه» معادل انگلیسی ندارد، به‌همین دلیل ردهاوس در فرهنگ معروف ترکی عثمانی به انگلیسی، صفحه ۹۹۳، این واژه را به‌صورت زیر تعریف کرده است.

Report written by an Ottoman ambassador regarding his official work, his experiences, and his observations while in foreign lands.

تعبیرهای «فرسته» و «فرستاده» به کار رفته،^۱ و در دوره غزنوی و سلجوقی تعبیر «رسول»، جای آن را گرفته است (بیهقی، ۱۳۷۷: ۵۳۷ و ۲۳۹ و ۸۹). در عنوان فصل بیست و یکم سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک - «اندر معنی احوال رسولان و ترتیب کار ایشان» - تعبیر «رسولان»، ناظر بر آن است. از دوره مغول، تعبیر ترکی «ایلچی» معمول شد (ریاحی، ۱۳۶۸: ۱۰).^۲ رشیدالدین فضل‌الله همدانی هم در «تاریخ مبارک غازانی» در دو فصل (حکایت ۱۸ و ۳۸) درباره ایلچیان سخن گفته است (همان). از دوره ایلخانان، تیموریان و به‌ویژه صفویان به بعد، آگاهی‌های زیادی درباره هیئت‌های سفارت اعزامی از ایران به ممالک دیگر و از ممالک دیگر به ایران در اختیار داریم.

در دوره ایلخانی از اعزام برخی سفرا به ممالک دیگر آگاهی داریم. احمد تکودار به‌عنوان اولین ایلخان مسلمان به پیشنهاد صاحب دیوان، نمایندگانی برای اعلام مسلمانان خود نزد سلطان مملوک فرستاد. فرستادگان ایلخان حامل نامه‌ای درباره مسائل سیاسی، نظامی و لزوم سازماندهی امور موقوفات، فرمان برگزاری مراسم حج و تعمیر راه‌ها برای تسهیل سفر حج و رونق تجارت بودند. هیئت دوم سفارت احمد تکودار به ریاست شیخ عبدالرحمان که مقام شیخ‌الاسلامی و ریاست اوقاف ممالک احمد را بر عهده داشت به دربار ممالیک انجام گرفت (شرفی و یاری مطلق، ۱۴۰۱: ۳۴۰). از دو سفارت فوق، سفارت‌نامه مستقلی باقی نمانده است، اما اخبار و گزارش‌های آن در منابع معتبر آمده است.

در دوره تیموری از دو سفارت مهم آگاهی داریم. یکی سفارت نورالدین عبدالرحمن اسفراینی، سفیر سلطان احمد جلایر به اردوی امیر تیمور گورکانی، در شوال ۷۹۵ برای پیشگیری از حمله تیمور به بغداد است (جلالی نائینی، ۱۳۹۰: ۶۴-۵۵). تیمور نسبت به فرستاده سلطان احمد نهایت تکریم و احترام را به‌جا آورد و وی را با اعطای خلعت و زر و اسب بازگردانید. هرچند سفیر سلطان احمد نتوانست از هجوم تیمور به بغداد جلوگیری کند و از این نظر مأموریت سیاسی سفیر اعزامی با شکست مواجه شد، از این نظر که شیخ اسفراینی ضمن مذاکرات خود با امیر تیمور موفق شد از شدت خشم و غضبش بکاهد برای مردم بغداد، سفارت شیخ اسفراینی دارای این فایده بود که شهر از ویرانی و قتل عام مصون ماند (همان، ۶۳-۶۲).

۱. بیت معروف فردوسی، ناظر به این تعبیر است: «فرستاد باید فرستاده‌ای/درون پر ز مکر و برون ساده‌ای»
۲. ریاحی می‌نویسد: تعبیر «ایلچی» تا دوره مشروطه معمول بود. در حالی که سندی از وزارت امور خارجه به سال ۱۳۱۰ خورشیدی وجود دارد که در آن پیشنهاد شده تا تعبیر «وزیرمختار و ایلچی مخصوص» به «مأمور فوق‌العاده و وزیرمختار» تغییر یابد (نک. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۳۱۰/۸۷۶۸).

سفارت دوم مربوط به اعزام سفیر از طرف شاهرخ فرزند تیمور به هند است. کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحق سمرقندی، مورخ و قاضی و صوفی مشهور قرن نهم هجری است در ۸۴۵ از طرف شاهرخ به دربار کالیکوت و بیجانگر فرستاده شد. او نزدیک به سه سال در دکن به سر برد (مشایخ فریدنی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). وی حامل نامه‌ها و هدایای شاهرخ به دربار هند بود و سفارت او از غره رمضان ۸۴۵ تا نیمه رمضان ۸۴۸ یعنی به مدت سه سال و پانزده روز به طول انجامید. شرح سفارت او در کتاب *مطلع السعدین و مجمع البحرین* آمده است. عبدالرزاق بعد از پایان سفارت به اتفاق ایلچیان پادشاه بیجاگر به دربار شاهرخ بازگشت.

عبدالرزاق روز شانزدهم رمضان به خدمت شاهرخ باریافت و سفیران پادشاه بیجانگر، خواجه جمال‌الدین و خواجه محمد خراسانی، هدایا و نامه او را تقدیم کردند و هنگام بازگشت، از طرف شاهرخ مولانا نصرالله جنابذی به رسالت و سفارت دربار بیجانگر معین گردید و نامه و هدایای شاهرخ را به اتفاق سفیران دربار هند بدان کشور برد (همان: ۱۳۳). بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ، نیز در سال ۸۲۲ غیاث‌الدین محمد نقاش تبریزی را در رأس هیئتی به سفارت دربار خاندان مینگ در چین فرستاد. سفر غیاث‌الدین به مدت سه سال تا ۸۲۵ قمری به طول انجامید. شرح سفر و سفارت او را حافظ ابرو و عبدالرزاق سمرقندی به ترتیب در *زبده التواریخ و مطلع السعدین و مجمع البحرین* آورده‌اند. اثر غیاث‌الدین «قدیمی‌ترین سفرنامه فارسی به سرزمین چین به شمار می‌رود و شاید قدیمی‌ترین سفارت‌نامه فارسی نیز باشد (الهی، ۱۳۸۳-۱۳۸۲: ۱۴).^۱

در دوره صفویه، آگاهی زیادی از رفت‌وآمد سفرا و فرستادگان مختلف داریم. گزارش سفارت برخی ایلچیان به صورت مستقل منتشر شده و برخی نیز در منابع تاریخی انعکاس یافته است. از سفارت سفیر شاه سلیمان صفوی، محمدربیع بن محمد ابراهیم، در سال‌های ۱۰۹۸-۱۰۹۴ به سیام اثری با عنوان «سفینه سلیمانی» باقی مانده است (نک. منابع). همچنین از سفارت محمدرضا بیک که از طرف شاه سلطان حسین در ۱۱۲۵ قمری به دربار لویی چهاردهم اعزام شد، کتاب مستقلی در شرح مأموریت او باقی مانده است (نک. منابع).

از آغاز دوره قاجار، به دلیل شروع جنگ‌های ایران و روس و رویدادهای دیگر رفت‌وآمد هیئت‌های سفارت بیشتر شد. در هر هیئت سفارت ایران، منشی و کاتبی حضور داشت تا شرح دقیق سفارت و سیاحت را از آغاز تا پایان به رشته تحریر درآورد. پیش‌تر گفته شد سفرای اعزامی، در کنار سفارت، سیاحت هم می‌کردند. پس، هدف اصلی سفارت بود، نه سیاحت. چنان که میرزا آقاسی به سفیر اعزامی خود به پاریس می‌نویسد: «بعد از تقدیم خدمت و ابلاغ

۱. اثر غیاث‌الدین از سوی شیخ‌الاسلام چلبی‌زاده عاصم افندی در ۱۱۴۰ق به ترکی ترجمه شده و در ۱۳۳۱ق در استانبول منتشر شده است (Bozkurt, 2009: 289).

سفارت و رساندن هدایا و اظهار دوستی، بدون مکث و توقف، روانه شده برای تماشا و سیاحت، خود را معطل ندارد» (میرزا آقاسی به میرزا محمدعلی خان شیرازی، صالحی، ۱۳۷۷: ۳۳۱). در ادامه با تأکید می‌نویسد: «البته غفلت نکرده و به زودی بعد از انجام امور پاریس و گرفتن جواب نامه مراجعت کرده [...] مشغول عیش و خوشگذرانی نخواهد بود و خود را بی‌جهت معطل نخواهد داشت (همان).

در ادبیات ایران، «سفارت‌نامه»، به غلط ذیل «سفرنامه / سیاحت‌نامه» تعریف شده است.^۱ در عثمانی، به‌درستی ذیل «سفارت‌نامه» آمده است. در ایران، برخلاف عثمانی، نویسندگان سفارت‌نامه‌ها، کمتر از این عنوان برای آثارشان استفاده کرده‌اند. در بهترین حالت، عنوان «روزنامه سفارت» بر آثار خود گذاشته‌اند. عناوینی مثل «دلیل السفرا» و «حیرت‌نامه سفرا» نیز با روزنامه سفارت و سفارت‌نامه قرابت دارد. برخی کوشندگان و مصصحن، گاه عنوان «شرح مأموریت»،^۲ «تاریخ سفارت»،^۳ «گزارش سفارت»،^۴ و «سفرنامه سفارت»،^۵ بر این آثار گذاشته‌اند. اما بیشتر سفارت‌نامه‌ها با عنوان «سفرنامه» شناسانده شده‌اند و لذا این آثار، به‌کلی در زمره سفرنامه‌ها قرار گرفته‌اند. چنین خطایی به دو دلیل بروز کرده است: سفارت‌نامه‌ها از سوی کسانی که اهل ذوق و ادب بودند، به چاپ رسیده‌اند.^۶

این قبیل افراد با غفلت از گونه‌شناسی این آثار، درحقیقت «سفارت‌نامه‌ها» را به نفع «سفرنامه‌ها» مصادره کرده‌اند. حال آن‌که سفارت‌نامه‌ها مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع تاریخ سیاسی و تاریخ دیپلماسی هستند. چون در تاریخ‌نگاری ایران در سده اخیر، شاخه «تاریخ دیپلماتیک» (diplomatic history) بسیار نحیف و ضعیف بوده، به همین دلیل سفارت‌نامه‌ها به‌مثابه منابع اصلی این شاخه از تاریخ‌نگاری به حاشیه رانده شده و چاپ‌کنندگانی که ذوق و علاقه تاریخی داشته‌اند، این آثار را اغلب در زمره «اسناد و مدارک»،^۷ «سفرنامه»^۸ یا «روزنامه»

۱. نک. واحد دوست، ادبیات ایران در دوره قاجار: ۴۸۵-۴۷۹؛ رستگارفسائی، انواع نثر فارسی: ۴۱۶-۴۱۴.

۲. نک. «شرح مأموریت آجودان‌باشی»، به‌کوشش محمد مشیری.

۳. نک. «تاریخ سفارت حاجی خلیل‌خان و محمدنبی‌خان به هندوستان»، به‌کوشش میرزا صالح.

۴. نک. «گزارش سفارت کابل، سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن»، به‌کوشش محمد آصف فکرت هروی.

۵. نک. «سفرنامه سفارت محمدرضا بیک از ایران به فرانسه در زمان شاه سلطان حسین صفوی و حضور در دربار لویی چهاردهم، ۱۷۱۵-۱۷۱۴ میلادی»، تصحیح سید مهدی سید قطبی.

۶. محض نمونه نک. سفرنامه سیف‌الملک به روسیه و سفرنامه میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی به روسیه، هر دو به‌کوشش محمد گلین، سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله (مخزن‌الوقایع)، به‌کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی.

۷. محض نمونه، نک. مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، به‌کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی.

۸. محض نمونه، نک. سفرنامه بخارا به‌کوشش حسین زمانی؛ مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی،

سفر^۱ دسته‌بندی کرده‌اند. درحالی‌که سفارت‌نامه‌ها به دلیل اشمال بر اسناد و دستورالعمل‌های سیاسی، فرامین و اختیارنامه‌های مأموران و فرستادگان، گزارش دیدارها و مذاکرات سیاسی، متن صورت‌مجالس و عهدنامه‌های منعقدشده، دقیقاً در زمره متون و نوشته‌های اصلی تاریخ سیاسی و تاریخ دیپلماسی هستند.

از ایلچیان مهم صدر دوره فاجار، میرزا ابوالحسن خان ایلچی و میرزا صالح شیرازی را می‌شناسیم که اولی در رأس هیئت سفارت ایران، یک‌بار به پترزبورگ و دو بار به لندن سفر کرد. شرح سفارت‌های او در قالب «سفرنامه» به چاپ رسیده است (نک. دلیل‌السفرا و حیرت‌نامه). عجیب این که در *دلیل‌السفرا*، دقیقاً از نهم تا بیست و سوم ربیع‌الاول ۱۲۳۱ که مربوط به شرح دیدار ایلچی با امپراتور روسیه و مذاکرات او با وزیر امور خارجه، نسلرود، است؛ حذف شده است (دلیل‌السفراء، مقدمه: شش و ۲۴۶)؛ بنابراین، برای آگاهی از مذاکرات فرستاده ایران با دولت‌مردان روسیه درباره عهدنامه گلستان، باید به منابع روسی، به‌ویژه اسناد و مدارک موجود در آرشیوهای آن کشور رجوع کرد، اسنادی که می‌تواند ما را در جریان دیدارها و مذاکرات ایلچی ایران قرار دهد.

همچنین، سفارت میرزا ابوالحسن خان به لندن، مأموریت مهمی است که از سوی فتحعلی‌شاه بر عهده او گذاشته شد. او یک سال در لندن توقف داشت. در این مدت، چندین جلسه با وزیر امور خارجه، کسلری، مذاکره کرد. صورت‌جلسات این مذاکرات توسط جیمز موریه تنظیم شده است.^۲ گزارش‌هایی که ایلچی ایران از لندن برای فتحعلی‌شاه فرستاده در دسترس نیست، اما از فرمانی که شاه در ربیع‌الثانی ۱۲۳۵ برای او ارسال کرده می‌توان تا حدی به محتوای آن گزارش‌ها پی‌برد (تیموری، ۱۳۸۴: ۲۸/۱). سفارت میرزا ابوالحسن خان به پترزبورگ و لندن با وجود اهمیت بسیار برای آگاهی از تاریخ مناسبات خارجی ایران، هنوز مورد توجه قرار نگرفته است، ولی بارها از منظر سفرنامه‌نویسی مطالعه و بررسی شده است (طباطبایی، ۱۳۸۰: فصل چهارم، به‌ویژه از ۲۵۸ تا ۲۷۷).

میرزا صالح شیرازی نیز دو بار به لندن سفر کرد، بار نخست به‌عنوان یکی از پنج محصل ایرانی راهی لندن شد (۱۲۳۰ق) و سه‌سال‌ونیم در آنجا ماند (مینوی، ۲۵۳۶: ۴۲۴). او از دوره اقامت خود در لندن، سفرنامه ارزشمندی نوشت که به‌درستی با عنوان «سفرنامه» به چاپ

به‌کوشش میرزا صالح؛ سفرنامه میرزا فتح‌خان گرمودی به اروپا، به‌کوشش فتح‌الدین فتاحی؛ گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، به‌کوشش همایون شهیدی.

۱. محض نمونه: روزنامه سفر خوارزم، تألیف محمدعلی‌خان غفور، به‌کوشش محمدحسن کاووسی عراقی و محمدنادر نصیری مقدم، تهران: نشریه وزارت امور خارجه.

۲. مجموعه آن‌ها در بایگانی عمومی و بایگانی دیوان هند در لندن مضبوط است (نک. تیموری، ۱۳۸۴: ۲۲/۱).

رسیده است^۱؛ اما او بار دوم، در ۱۲۳۷ قمری در رأس هیئت سفارت ایران عازم قفقاز، روسیه و انگلیس شد. در تفلیس، چهار بار با ژنرال یرملوف، دیدار و مذاکره کرد. در پایتخت روسیه، نامه عباس میرزا را تسلیم تزار روسیه کرد و با مقامات روسی درباره استرداد برخی ولایات اشغالی مذاکره کرد و در لندن با مقامات انگلیس درباره احضار هنری ویلاک گفت‌وگو کرد و چند نامه به وزیر امور خارجه انگلیس نوشت (تیموری، ۱۳۸۴: ۱/۷۴-۶۹). چنین سفارت مهمی، هنوز از منظر تاریخ دیپلماسی، مطالعه و بررسی نشده و تنها سفارت‌نامه او با عنوان «گزارش سفر» به چاپ رسیده است.^۲

از سفارت‌های مهم عصر ناصری، سفارت فرخ‌خان امین‌الدوله به عثمانی و اروپاست. شرح مفصل گزارش سفر و سفارت او به قلم حسین‌بن‌عبدالله سرابی به رشته تحریر درآمده است. همچنین مجموعه اسناد، مدارک، فرامین، اختیارنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، صورت‌مجلس مذاکرات، نامه‌های مبادله‌شده و گزارش‌های مذاکرات در پنج جلد منتشر شده است. با این که سرابی چند بار در متن گزارش خود از مأموریت فرخ‌خان با عنوان «سفارت» و «سفارت کبری» یاد کرده است، چاپ‌کنندگان این اثر، عنوان کتاب را «سفرنامه» و «مأموریت و مسافرت» گذاشته و در پیشگفتار آن نوشته‌اند: کتاب «از نظر موضوع یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های دوره قاجاریه است؛ زیرا شرح وقایع مأموریتی است مربوط به قضایای هرات و عقد معاهدات با دول اروپایی و از نظر قدمت نیز تا آنجا که اطلاع حاصل است، ظاهراً هفتمین سفرنامه‌ای است که در دوره قاجاریه نوشته شده» است (حسین‌بن‌عبدالله سرابی، ۱۳۷۳: مقدمه: چهل‌ویک).

در معرفی محتوای اثر، به نکاتی اشاره کرده‌اند که بر سفارت‌نامه بودن اثر سرابی صحنه می‌گذارد. می‌نویسند: «این کتاب شرح یک مأموریت مهم سیاسی است. ضمناً مؤلف در خلال آن به وصف ممالک و چگونگی امور آن‌ها و نکات دیدنی که برای ایرانی تازگی داشته است پرداخته و البته مطالبی هم بوده است که مؤلف به اقتضای عضویت در هیئت رسالت فرخ‌خان امین‌الملک که هیئتی سیاسی و مأمور به مذاکرات بسیار مهم بوده است، نمی‌توانسته است به بحث در آن مطالب بپردازد» (همان: چهل‌ودو). چاپ‌کنندگان این اثر، با برداشت سفرنامه‌ای، از این امر غفلت داشته‌اند که اصولاً سرابی به‌عنوان منشی و کاتب همراه ایلچی ایران، در درجه نخست موظف به ثبت و ضبط شرح مأموریت و سفارت فرستاده ایران بوده است. در ادامه، به نکاتی درباره اهمیت کتاب اشاره کرده‌اند که ناظر به جایگاه اثر در تاریخ سیاسی و دیپلماسی

۱. سفرنامه میرزا صالح شیرازی، به‌کوشش اسماعیل راثین.

۲. نک. گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، به‌کوشش همایون شهیدی.

است. می‌نویسند: «بر روی هم در این سفرنامه، مراسلات و صورت مذاکرات مهمی مندرج است که برای اهل تحقیق فوق‌العاده سودمند است. از این سفرنامه به‌خوبی نظر دولت‌های عثمانی و فرانسه و انگلیس نسبت به ایران معلوم می‌شود و مخصوصاً عقاید سلاطین و سیاست‌مداران عثمانی و ازین‌رو برای تحقیق در روابط ایران و عثمانی در دوره قاجاریه از منابع ارزنده به شمار می‌رود (همان: چهل‌ودو).

شوربختانه، آثار سفیران و مأموران اعزامی ایران به ممالک دیگر، بعد از بازگشت به‌صورت خطی در کُنج مراکز اسناد و کتابخانه‌ها و مجموعه‌های شخصی و خانوادگی مانده و منتشر نشده است.^۱ تعدادی هم، بعد از صد سال به چاپ رسیده است. درحالی‌که مأموران اعزامی کشورهای اروپایی به ممالک دیگر، به‌محض بازگشت منتشر شده‌اند. برای نمونه، آثار ژنرال گاردان، ژنرال تره زل، سروان بونتان، سروان تروئیلیه، تانکوانی و چند نفر دیگر که جزو هیئت گاردان بودند، بلافاصله بعد از بازگشت به فرانسه به چاپ رسیده‌اند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۴). حتی برخی از این آثار، به فاصله کمی به زبان انگلیسی ترجمه و در لندن منتشر شده‌اند. ویلیام رایت، مترجم سفرنامه تانکوانی، ترجمه انگلیسی این اثر را به سفیر ایران، میرزا ابوالحسن خان ایلچی، تقدیم کرده است (همان).

در ایران، اگرچه به نفس نوشتن گزارش سفر و سفارت اهمیت داده می‌شد، حتی سفیران اعزامی موظف به ارسال گزارش در طول سفر و پایان مأموریت خود بودند، اما بعد از بازگشت توجه زیادی به سرنوشت نوشته‌های سفیران و مأموران نمی‌شد؛ به همین دلیل، آثار آن‌ها یا از بین رفته یا بعد از صد سال هنوز چاپ نشده یا این که به‌صورت غیرانتقادی منتشر شده‌اند. یکی از سفارت‌های مهم در اوایل دوره ناصری، سفارت رضاقلی‌خان هدایت به خوارزم است، او هنگام عزیمت، نزد امیرکبیر رسید و امیر تأکید خاص به نوشتن شرح سفارت

۱. در برخی موارد، دستگاه حاکم تمایلی به انتشار این قبیل آثار نداشت. نامه‌ای از میرزا آقاخان نوری به فرخ‌خان امین‌الدوله در دست است که او را از انتشار شرح سفارت خود به اروپا به‌شدت برحذر داشته است (نک. مخزن‌الوقایع: ۲۶ و تصویر سند ۳۶) حبس خانگی اسناد و مدارک، دلیل دیگری برای عدم انتشار آن‌هاست. در ایران دوره قاجار به‌خصوص در اوایل آن دوران وزیران و دیگر مقامات غالباً اسناد و مدارک دولتی را نزد خود نگاهداری می‌کردند و با مرگ آن‌ها این اسناد در اختیار وراث قرار می‌گرفت و به‌تدریج در گوشه و کنار به دست این و آن می‌افتاد یا از بین می‌رفت. هنوز قسمت عمده چنین اسنادی را باید در نزد وراث رجال گذشته یافت. در این زمینه (نک. تیموری، ۱۳۷۰: ۶۹۷). اسناد و مدارک و سفارت‌نامه فرخ‌خان امین‌الدوله غفاری که جزو مهم‌ترین نوشته‌ها و اسناد دیپلماتیک ایران عصر ناصری است، از سوی حسنعلی معاون‌الدوله غفاری که از اخلاف فرخ‌خان بود، به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران واگذار شد و تا کنون پنج جلد آن تصحیح و منتشر شده است (نک. افشار، ۱۳۶۰: ۵۷۸).

او کرد. هدایت سفارش امیر را عملی کرد و «سفارت‌نامه خوارزم» را نوشت، اما نویسنده روزی که بازگشت، «دو روز بود که امیر از صدارت عزل شده بود، به قول مخبرالسلطنه، ورود رضاقلی‌خان به تهران مصادف بود با عزل امیر، کسی از او نپرسید کجا رفتی؟ چه کردی؟ کی آمدی؟» (هدایت، ۱۳۷۵: ۵۵). سفارت و سفارت‌نامه عباس‌قلی‌خان به بخارا نیز به همین سرنوشت دچار شد. این اثر بعد از صد و پنجاه و پنج سال بدون نام نویسنده، با عنوان «سفرنامه بخارا» منتشر شده است.^۱

سفارت‌نامه ایران

ایران و عثمانی پس از چند سده روابط پرفرازونشیب، با وساطت روس و انگلیس، برای حل اختلافات دیرین در کنفرانس ارزنه‌الروم حضور یافتند (۱۲۵۹ق) و پس از چهار سال مذاکره، عهدنامه دوم ارزنه‌الروم را به امضا رساندند (۱۲۶۳ق). هریک از نمایندگان چهار دولت، اسناد و صورت مجالس مذاکرات را برای دولت‌های خود ارسال کرده است. نماینده عثمانی، انوری افندی، متن کامل صورت مجالس مذاکرات و مکاتبات در دوران برگزاری کنفرانس ارزنه‌الروم را در اثری با عنوان *سفارت‌نامه ایران* تدوین و به باب عالی تقدیم کرده است. درحالی‌که تعدادی از سفارت‌نامه‌های عثمانی نخستین بار در ۱۳۶۸ به فارسی ترجمه و انتشار یافت (ریاحی: ۱۳۶۸)، *سفارت‌نامه ایران* با تمامی اهمیتی که دارد، ناشناخته باقی مانده بود.^۲

انوری افندی در *سفارت‌نامه ایران*، با ضبط دقیق متن مذاکرات و اسناد، اثری ارزنده در تاریخ سیاسی و دیپلماسی عثمانی به‌جا گذاشته است. افندی درباره هدفش از تألیف *سفارت‌نامه* می‌نویسد:

«برای این که رخصت‌نامه‌ها، تعلیمات (دستورالعمل‌ها)، نامه‌های دریافتی و نیز تحریرات، صورت‌مجالس و سواد مکاتبات ارسالی به مقام والای صدارت عظمی و نظارت جلیله خارجه حفظ و ضبط شوند و در موقع مقتضی برای مطالعه به کار آیند، به ترتیب [در سفارت‌نامه] تحریر و مسطور» شد (انوری افندی ۱۴۰۲: ۶۲). سطر سطر *سفارت‌نامه* انوری افندی، دیدگاه‌های نمایندگان ایران و عثمانی و مأموران واسطه روس و انگلیس را بازتاب می‌دهد. به‌جز آن، مواضع نمایندگان چهار دولت درگیر در مذاکرات چهار ساله در این اثر به‌خوبی دیده می‌شود.^۳

۱. درباره این اثر، مقاله خوبی از نظر تاریخ دیپلماتیک از سوی گاستافسون (Gustafson: 2013) منتشر شده است.

۲. تصحیح و ترجمه این اثر در سال ۱۴۰۲ منتشر شد. برای مشخصات آن (نک. منابع).

۳. برای آگاهی بیشتر درباره ارزش و اهمیت *سفارت‌نامه ایران*، نک. مقدمه مصحح و مترجم کتاب.

سفارت‌نامه‌ ارزنه‌الروم

میرزا تقی‌خان به‌عنوان نماینده ایران در مذاکرات ارزنه‌الروم دقیقاً دو روز بعد از اولین جلسه مذاکرات در نامه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ خطاب به میرزا آقاسی می‌نویسد:

«صورت‌مجلس مکالمه و سواد اصل فرمان مأموریت انور افندی و ترجمه آن را به فارسی و صورت‌مجلس [با] فرنگی‌های دولتین روس و انگلیس، هر چهار به خط وقایع‌نگار ارسال حضور مرحمت ظهور بندگان والنعمی گردید، از تفصیل ماجرا مطلع و مستحضر خواهند» بود (سواد مکاتبات: شماره ۱۸: ۴۲۵-۴۲۴).

این نامه، حاکی است میرزا تقی‌خان از همان آغاز کنفرانس بنا را بر ارسال مرتب اسناد، گزارش‌ها و صورت‌مجلس مذاکرات گذاشته و در هر مورد که نیاز به کسب نظر اولیای امور در تهران داشته، بلافاصله اقدام به ارسال نامه کرده است. در نامه ۲۲ شوال ۱۲۵۹ می‌نویسد: «هرچه مصلحت دولتی اقتضا نماید، این غلام را به‌زودی با دستورالعمل و حکم جدید مخبر خواهند» فرمود (همان: ۴۲۷). میرزا تقی‌خان از آغاز تا پایان کنفرانس، به‌صورت مرتب و منظم، صورت‌مجلس را ثبت و ضبط و به تهران ارسال کرده است. او در نامه‌های مختلف، بارها به این موضوع اشاره کرده است:

«مجدداً مجلس خامس شده و قریب پنج ساعت طول مجلس بود. هرچه در آنجا با وکیل دولت علیه عثمانی و مأمورین متوسطین گفت‌وشنود شده صورت صحیح آن را در جوف عریضه ارسال حضور نمود. اضافه بر آن، خبری نیست که این غلام عرض» نماید (همان: ۴۲۷).

در نامه دیگر می‌نویسد:

«صورت‌مجلس شانزدهم حاضر بود، به صحابت آن‌ها ارسال حضور بندگان عالی نمود. ان‌شاءالله به نظر بندگان عالی خواهد رسید. باوجود صورت‌مجلس، این غلام عرضی ندارد. بدیهی است همیشه صورت‌مجلس‌ها به نظر کمی‌اثر بندگان عالی رسیده و خواهد رسید» (همان: ۴۴۰).

در نامه‌ای که اشاره به آخرین جلسات کنفرانس دارد، می‌نویسد:

«بالجمله تا حالا که هفده مجلس در ارزنه‌الروم منعقد شده و صورت‌مجلس کلاً به حضور بندگان عالی رسیده ملاحظه فرموده‌اند» (همان: ۴۴۰).

سفارت میرزا تقی‌خان از آغاز تا پایان مذاکرات حدود چهار سال به طول انجامید. در این مدت، به‌جز هجده دور مذاکره که حاصل آن هجده صورت‌مجلس مذاکرات است، ده‌ها نامه، گزارش و اسناد و مدارک دیگر میان میرزا تقی‌خان و اولیای امور در تهران مبادله شده است. به همین ترتیب،

مکاتبات متعددی میان وزرای مختار روس و انگلیس با میرزا آقاسی و وزیر دول خارجه و همچنین مکاتباتی میان مأمورین واسطه و میرزا تقی‌خان انجام شده است. مجموعه این اسناد، در حکم سفارت‌نامه چهار ساله «اهل سفارت ایران»^۱ در کنفرانس ارزنه‌الروم است. با این وجود، از میرزا تقی‌خان سفارت‌نامه مستقلی همانند سفارت‌نامه انوری افندی باقی نمانده است. این به معنای عدم تدوین سفارت‌نامه نیست، زیرا در هیئت همراه میرزا تقی‌خان، وقایع‌نگار، کاتب، منشی و مترجم سراغ داریم. پس، دلیلی بر عدم تدوین و تنظیم سفارت‌نامه نیست. از طرفی، می‌دانیم میرزا تقی‌خان بعدها در دوران صدارتش شخصاً نسبت به وظایف مأموران اعزامی سخت‌گیر بود. به‌ویژه تأکید خاص بر نوشتن شرح مأموریت و سفارت داشت. هدایت می‌گوید: در فرمانی که هنگام سفارت خوارزم از امیر دریافت داشت، آمده بود:

«و نیز مأمور است که روزنامه‌جات از روز مأموریت الی معاودت و شرفیابی آستان مهر لمعان را مفصلاً نوشته با شرح و بسط تمام از وقایع اتفاقیه و اسامی منازل و تعیین فراسخ و اسامی ایلات و سرکردگان و ریش‌سفیدان آن‌ها را کاملاً نوشته با خود بیاورد که آن عالی‌جاه از عموم آن با اطلاع باشد». هدایت می‌گوید: هنگام عزیمت به خوارزم «خدمت جناب جلالت‌مآب امیرکبیر رفته، تمامت سپارش را به یک مصراع فردوسی که نگارش می‌یابد مختصر کرد که: «فرستاد باید فرستاده‌ای/درون پر ز مکر و برون ساده‌ای»، گفتم: بلی، فرمود: «البته شنیده‌ای سفارت مرا در ارزنه‌الروم! گفتم: آری» (هدایت، ۱۳۸۵: هفده و بیست‌ودو).

امیر در دوران صدارت، نسبت به دریافت گزارش‌های مستمر و پیوسته از مأموران ایران در کشورهای دیگر تأکید داشت. وی در شوال ۱۲۶۵ خطاب به مصلحت‌گزار ایران در اسلامبول نوشت:

«یک دو چاپار است که می‌آید، نوشته از آن عزیز نمی‌آورد، با این که مکرر به آن عالی‌جاه غدغن شده است که پیوسته با هر پیوسته به چاپار وقایع آن حدود را قلمی دارد و روزنامه‌نگاری کند» (آدمیت، ۲۵۳۵: ۵۱۰)

امیر در دستورالعملی که برای میرزا حسین‌خان هنگام اعزام او به بمبئی صادر کرد با تأکید نوشت: «همچنین در ارسال «گازت» بمبئی... و زود فرستادن کاغذ و رساندن اخبار زیاد اهتمام داشته باشد» (همان: ۵۴۹).

جدای از اشارات فوق، به‌درستی می‌دانیم که بنا به سنت معمول در نظام سیاسی و دیوان‌سالاری ایران، سفرا و مأموران اعزامی به ممالک دیگر، موظف بودند گزارش مأموریت/سفارت خود را

۱. تعبیر میرزا آقاسی است (نک. نامه او به محمدشاه رمضان ۱۲۶۲؛ نک. صفایی، بی‌تا: ۴۲-۴۱).

ارسال کنند. میرزا آقاسی بعد از اعزام میرزا محمد علی خان به سفارت اسلامبول، انتظار داشت سفیر اعزامی از همان منزلگاه نخست، اقدام به ارسال گزارش کند. چون به موقع گزارشی دریافت نکرد، نوشت:

«فرزندا، در مدت توقف طربزن، چیزی نبود که آن فرزند بنویسد؟»

دربارهٔ نرسیدن گزارش از ایام توقف او در پایتخت عثمانی، نوشت:

«در این چند وقت مکث آن فرزند در اسلامبول هم هیچ نوشتجات نرسید [...] اصلاً چیزی از احوال و گزارشات او نداریم. نمی‌دانم این همه تکاهل و تأمل چرا؟» نمی‌دانم چه باعث دارد که کاغذت دیر به دیر می‌رسد؟ با آن که اول قراری که شده بود در زود رسیدن نوشتجات آن فرزند بود» (صالحی، ۱۳۷۷: ۲۴۹).

بنابراین، باید احتمال قوی داد که اسناد و مدارک سفارت چهار سالهٔ میرزا تقی خان به صورت یک‌جا یا در دو سه مجموعهٔ جداگانه تدوین شده و در بایگانی وزارت امور خارجه موجود باشد، ولی به دلیل در اختیار نبودن فهرست دقیق و تفصیلی کتابچه‌های سواد و اصل مکاتبات، امکان دسترسی به آن نبوده یا این که به سرنوشت برخی دیگر از اسناد که مشخصات آن‌ها در فهرست‌ها هست، اما اصل آن‌ها نیست؛ دچار شده باشد. به هر رو، آن تعداد از اسناد، مکاتبات و صورت‌مجلس کنفرانس ارزنه‌الروم که تاکنون انتشار یافته است، به یک‌باره و یک‌جا به دست نیامده، بلکه به مرور و در طول سال‌ها از بایگانی اسناد وزارت امور خارجه و دیگر مراکز اسنادی و کتابخانه‌ها یافت شده است.^۱

نتیجه‌گیری

بیشتر دولت‌ها، پیش از تأسیس سفارت‌خانه‌ها و استقرار سفرای مقیم و دائم در پایتخت‌ها، افرادی را به عنوان فرستاده (رسول، ایلچی، سفیر) انتخاب و برای انجام مأموریت مشخص به عنوان سفارت به ممالک دیگر اعزام می‌کردند. فرستادگان دولت‌ها، اغلب موظف بودند شرح سفر و سفارت خود را به صورت مکتوب به دربار گزارش کنند. آنچه توسط فرستادگان اعزامی به نگارش درمی‌آمد، اغلب دارای دو بخش بود: شرح سفر/ سیاحت و گزارش نحوهٔ انجام مأموریت/ سفارت؛ بنابراین، آثار مکتوبی که فرستادگان به عالی‌ترین مقام کشور تقدیم می‌کردند، از حیث مضمون و محتوا، تلفیقی بود از شرح سفر/ سیاحت، و نامهٔ سفارت. سفرای اعزامی، در کنار سفارت، سیاحت هم می‌کردند. پس، هدف اصلی سفارت بود، نه

۱. نگارنده در طول سال‌های گذشته مجموعهٔ اسناد، مکاتبات و صورت‌مجلس میرزا تقی خان در سفارت ارزنه‌الروم را گردآوری و تدوین کرده است. این اثر با عنوان «سفارت‌نامهٔ ارزنه‌الروم» در دست انتشار است.

سیاحت. دولت‌ها آنچه بعد از بازگشت سفرای اعزامی از آن‌ها مطالبه می‌کردند، انجام مأموریت و ارائه گزارش مکتوب آن بود. چون احتمال می‌رفت شخص سفیر یا سفرای اعزامی به دلیل اشتغال به امور سیاسی و دیپلماسی خود شخصاً مجال نوشتن شرح مأموریت را نداشته باشند، در بیشتر مواقع مسئولیت نوشتن صورت‌مجلس مذاکرات، نامه‌ها و گزارش‌ها برعهده منشیان و کاتبان چیره‌دست گذاشته می‌شد. مجموعه این نوشته‌ها در حکم «نامه سفارت» بود که از آن به «سفارت‌نامه» تعبیر می‌شود.

در جستار حاضر با گزارش توصیفی و بررسی تطبیقی نشان داده شد که در ایران با این که سفارت و سفارت‌نامه‌نویسی نسبت به عثمانی دارای قدمت زیادی است، در مطالعات تاریخی، «سفارت‌نامه‌پژوهی» مورد اعتنا نبوده و به تبع آن، مطالعات مربوط به «تاریخ دیپلماسی» نحیف مانده است. به دو دلیل: عدم انتشار اسناد و مدارک اصیل مربوط به تاریخ مناسبات خارجی، به‌ویژه سفارت‌نامه‌های سفرا و مأموران اعزامی به ممالک دیگر و دیگر تلقی و برداشت نادرست «سفرنامه» ای از «سفارت‌نامه» هاست. در ادبیات ایران، برخلاف ادبیات عثمانی، «سفارت‌نامه»، به غلط ذیل «سفرنامه/ سیاحت‌نامه» تعریف شده است. در عثمانی، به‌درستی ذیل «سفارت‌نامه» آمده است.

تاکنون بیشتر سفارت‌نامه‌ها با عنوان «سفرنامه» شناسانده شده‌اند و لذا این آثار، به‌کلی در زمره سفرنامه‌ها قرار گرفته‌اند. چنین خطایی به دو دلیل بروز کرده است: سفارت‌نامه‌ها از سوی کسانی که اهل ذوق و ادب بودند، به چاپ رسیده‌اند. این قبیل افراد با غفلت از گونه‌شناسی این آثار، درحقیقت «سفارت‌نامه»ها را به نفع «سفرنامه»ها مصادره کرده‌اند. حال آن که سفارت‌نامه‌ها مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع تاریخ سیاسی و تاریخ دیپلماسی هستند. چون در تاریخ‌نگاری ایران در سده اخیر، شاخه «تاریخ دیپلماتیک» (diplomatic history) شکل نگرفته است، به همین دلیل سفارت‌نامه‌ها به‌مثابه منابع اصلی این شاخه از تاریخ‌نگاری به حاشیه رانده شده و چاپ‌کنندگانی که ذوق و علاقه تاریخی داشته‌اند، این آثار را اغلب در زمره «اسناد و مدارک»، «سفرنامه» یا «روزنامه سفر» دسته‌بندی کرده‌اند. درحالی‌که سفارت‌نامه‌ها به دلیل اشتغال بر اسناد و دستورالعمل‌ها سیاسی، فرامین و اختیارنامه‌های مأموران و فرستادگان، گزارش دیدارها و مذاکرات سیاسی، متن صورت‌مجلس و عهدنامه‌های منعقد، دقیقاً در زمره متون و نوشته‌های اصلی تاریخ سیاسی و تاریخ دیپلماسی هستند. به‌جاست پژوهشگران علاقمند به حوزه تاریخ روابط خارجی با شناسایی و انتشار اسناد و مدارک و سفارت‌نامه‌های فرستادگان ایران به ممالک دیگر، زمینه بسط مطالعات تاریخ دیپلماسی ایرانی را فراهم کنند.

منابع

- احسان اوغلو، اکمل‌الدین (۱۳۹۷) *دولت و جامعه در دوره عثمانی*، ترجمه علی کاتبی و توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران: نشر کتاب مرجع.
- اصفهانیان، کریم؛ روشنی، قدرت‌الله (زعفرانلو) (به‌کوشش) (۱۳۴۶) *مجموعه اسناد و مدارک فرسخ‌خان امین‌الدوله*، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار قزوینی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۸۰) *سفرنامه سیف‌الملک به روسیه*، شرح سفارت میرزا عباس‌قلی‌خان نوری سیف‌الملک به روسیه، به‌کوشش محمد گلبن، تهران: انتشارت وزارت امور خارجه.
- افشار، ایرج (۱۳۶۰) «گذشته و آینده اسناد تاریخی ایران»، *آینده*، ۷(۸)، صص ۵۸۷-۵۷۵.
- اقبال، عباس (۱۳۲۸) «چند سفرنامه از سفرای ایران»، نشریه وزارت خارجه، (۳)، صص ۳۷-۲۶.
- الهی، امیرسعید (۱۳۸۳-۱۳۸۲) «کتاب‌شناسی توصیفی سفارت‌نامه‌های فارسی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، (۷۷-۷۸)، صص ۲۳-۱۲.
- _____ (۱۳۹۰) *گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)*، تهران: وزارت امور خارجه.
- انوری افندی، سعدالله (۱۴۰۲) *سفارت‌نامه ایران (اسناد، مکاتبات و صورت مجالس مذاکرات ارزنه‌الروم، ۱۲۶۳-۱۲۵۹ هجری قمری)*، تصحیح و ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها: نصرالله صالحی و صفیه خدیو، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اوزترک، نجدت (۱۳۹۱) «در باب تاریخ‌نگاری در عثمانی»، ترجمه نصرالله صالحی، *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، صص ۱۰۰-۹۱.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵) *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۷) *تاریخ بیهقی*، ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز.
- پناهی، عباس (۱۳۸۷) «اهمیت سفارت‌نامه خوارزم در سنت سفرنامه‌نویسی عصر قاجار»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، (۱۲۸)، صص ۸۶-۸۰.
- تاریخ سفارت حاجی خلیل‌خان و محمدنبی‌خان به هندوستان (۱۳۷۹) به‌کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: کویر.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۸۴) *دو سال آخر: یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل، نماینده انگلیس در دربار ایران، سال‌های ۱۸۳۴-۱۸۳۳*، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۰) «عقاید و آراء: نگاه‌بانی اسناد و تاریخ‌نویسی میان ایرانیان»، *آینده*، ۱۷، صص ۱۲-۹.
- جلالی نائینی، محمدرضا (۱۳۹۰) «سفارت نورالدین عبدالرحمن اسفراینی»، در *گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)*، صص ۶۴-۵۵.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۹) *انواع نثر فارسی*، تهران: سمت.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۸) *سفارت‌نامه‌های ایران*، تهران: طوس.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۳۳

- سامی، شمس‌الدین (۱۳۱۷ق) قاموس ترکی، اسلامبول: اقدام مطبعه‌سی.
- حسین‌بن‌عبدالله سرابی (۱۳۴۴) مخزن‌الوقایع (شرح مأموریت و مسافرت فرخ‌خان امین‌الدوله)، به‌کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۳) سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله (مخزن‌الوقایع)، به‌کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، تهران: اساطیر.
- حسین‌خان نظام‌الدوله (۲۵۳۶) شرح مأموریت آجودان‌باشی حسین‌خان نظام‌الدوله، به انضمام متن سفرنامه عبدالفتاح گرمودی، به‌کوشش محمد مشیری، تهران: سازمان انتشاراتی اشرفی.
- شرفی، محبوبه؛ یاری مطلق، میثم (۱۴۰۱) «سفارت در دوره ایلخانی و تیموری: موانع و چالش‌ها»، جستارهای تاریخی، ۱۳(۲)، ۳۳۵-۳۶۵.
- _____ (۱۴۰۲) «سفارت در دوره تیموریان: تشریفات استقبال و باریافتن سفرا»، تاریخ اسلام و ایران، ۳۳(۱۴۸)، صص ۲۰۸-۱۸۳.
- شهری برآبادی، محمد (۱۳۶۹) «گشت و گذاری در سفرنامه‌های سیاسی»، مشکوه، ۲۶(۲)، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- صالحی، نصرالله (۱۳۷۷) اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ق)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۹۱) «دری افندی»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۷، صص ۶۳۳-۶۳۲.
- _____ (۱۳۹۱) تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- _____ (۱۳۹۵) «تأملاتی در تاریخ‌نگاری فارسی در دوره عثمانی»، مطالعات تاریخ اسلام، ۸(۳۰)، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- صفایی، ابراهیم (بی‌تا) یک‌صد سند تاریخی (دوران قاجاریه)، چاپ ۲، تهران: بابک.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۰) دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نگاه معاصر.
- عباس‌قلی‌خان (۱۳۷۳) سفرنامه بخارا (عصر محمدشاه قاجار ۱۲۵۹-۱۲۶۰ قمری)، به‌کوشش حسین زمانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- علوی شیرازی، میرزا محمدهادی (۱۳۶۳) دلیل‌السفر، سفرنامه میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی به روسیه، به‌کوشش محمد گلبن، تهران: دنیای کتاب.
- غفور، محمدعلی‌خان (۱۳۷۳) روزنامه سفر خوارزم، به‌کوشش محمدحسن کاووسی عراقی و محمدنادر نصیری مقدم، تهران: وزارت امور خارجه.
- غلامحسین میرزا صالح (تصحیح و توضیح) (۱۳۶۴) مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- فتاحی، فتح‌الدین (به‌کوشش) (۱۳۴۷) سفرنامه میرزا فتاح‌خان گرمودی به اروپا در زمان محمدشاه قاجار، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی.
- قدس نخعی، حسن (۱۳۹۰) «سفر و سفارت در ایران باستان»، در گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران، صص ۳۹-۹.

۱۳۴ / سفارت و سفارت‌نامه‌نویسی در ایران و عثمانی... / صالحی

قندهاری، سید ابوالحسن (۱۴۰۰) گزارش سفارت کابل، سفرنامه سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن به کوشش محمد آصف فکرت هروی، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن.

گرانمایه، علی (۱۳۸۱) «سفارت‌نامه خوارزم: آخرین هیئت ایرانی در آسیای میانه قرن نوزدهم»، ترجمه معصومه جمشیدی، فرهنگ، (۴۳)، ۲۲۰-۱۸۹.

متولی، عبدالله (۱۳۹۶) میانی، چارچوب‌ها و الگوهای سفارتی و مکاتباتی در ایران عصر صفوی، اراک: دانشگاه اراک.

محیط طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۹۰) «آئین سفارت در دوران باستان»، در گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران، صص ۵۵-۳۹.

مشایخ فریدنی، محمدحسین (۱۳۸۵) «سفیر شاهرخ در دکن (ورقی از تاریخ روابط سیاسی ایران و هند)»، تاریخ روابط خارجی، (۲۸)، صص ۱۳۶-۱۱۱.

ممتحن‌الدوله شقاقی، میرزا مهدی‌خان (۱۳۷۹) مآثر مهدیه، در تاریخچه تشکیل وزارت امور خارجه و اصول نوین در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

میرزا ابوالحسن خان ایلچی (۱۳۶۴) حیرت‌نامه، سفرنامه [میرزا] ابوالحسن خان ایلچی به لندن، به کوشش حسن مرسل‌وند، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

میرزا صالح شیرازی (۱۳۴۷) سفرنامه میرزا صالح شیرازی، به کوشش اسماعیل راین، تهران: روزن. _____ (۱۳۶۲) گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: مؤسسه انتشاراتی راه نو.

مینوی، مجتبی (۲۵۳۶) «اولین کاروان معرفت» در تاریخ و فرهنگ، تهران: خوارزمی.
نوریلدز، سارا (۱۳۹۱) «نخبگان ایرانی در خدمت سلطان عثمانی: تاریخ‌نویسی فارسی در دوره عثمانی (سده‌های دهم و یازدهم)»، ترجمه نصرالله صالحی، در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ۲۴۵-۲۲۱.

واحددوست، مهوش (۱۳۹۶) ادبیات ایران در دوره قاجار (نثر)، تهران: سروش.
وودهد، کریستینه (۱۳۸۷) «منصب شهنامه‌نویسی در امپراتوری عثمانی»، ترجمه نصرالله صالحی، مزدک‌نامه، تهران: خواهان، صص ۳۷۹-۳۴۴.

هدایت، مهدیقلی‌خان (مخبرالسلطنه) (۱۳۷۵) خاطرات و خطرات (توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من)، تهران: زوار.

_____ (۱۳۸۵) سفارت‌نامه خوارزم، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: میراث مکتوب.
هربرت، موریس (۱۳۹۷) سفرنامه سفارت محمدرضابیک از ایران به فرانسه در زمان شاه سلطان حسین صفوی و حضور در دربار لویی چهاردهم، ۱۷۱۵-۱۷۱۴م، ترجمه حسب دستور علیقلی‌خان بختیاری سردار اسعد، پژوهش و تصحیح سید مهدی سید قطبی، قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.

اسناد

- اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات، شماره ۷۲.
- اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات، شماره ۱۸.
- اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸)، (۱۳۷۷)، به کوشش نصرالله صالحی، تهران: نشریه وزارت امور خارجه. ۳۷-۲۶.
- سازمان اسناد ملی، سند شماره ۸۷۶۸/۳۱۰.
- Afyoncu, Erhan (2007), *Tanzimat Öncesi Osmanlı Tarihi Araştırma Rehberi*, Yeditepe Yayınevi.
- Akyüz, Hüseyin, "Sefaretnameler ve Sefaretname Çalışmaları Bibliyografyas".
- Beydilli, Kemal (2007), *Sefaret ve Sefaretname Hakkında Yeni bir Değerlendirme*, Osmanli Araştırmaları, xxx, p. 9-30.
- Beydilli, Kemal (2009), "Osmanlılar'da Sefaretnameler", TDV İslâm Ansiklopedisi, vol. 36, p. 289-294.
- Bozkurt, Nebi (2009), "Sefaretname (Elçi)", TDV İslâm Ansiklopedisi, vol. 36, p. 288-289.
- Gürsoy Altunış, Belkis (2002), "Sefaretnameler", Türkler Ansiklopedisi, vol. 12, p.582-591/956 - 973.
- Gustafson, James M. (2013), "Qajar Ambitions in the Great Game: Notes on the Embassy of 'Abbas Qoli Khan to the Amir of Bokhara, 1844", *Iranian Studies*, vol. 46, No. 4, p. 535-552.
- Korkut, Hasan (2003). "Osmanlı Sefaretnâmeleri Hakkında Yapılan Araştırmalar", *Türkiye Araştırmalar Literatür Dergisi*, Cilt 1, Sayı 2, 491-511.
- Maden. Sedat (2008), "Türk Edebiyatında Seyahatnameler ve Gezi Yzıları", *A. Ü. Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi Sayı 37* Erzurum.
- Pakalın*, Mehmet Zeki (1993), *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, İstanbul: Milli Eğitim Basıevi.
- Redhouse, James (1999), *Türkçe/Osmanlıca/İngilizce Sözlük*, İstanbul: Sev Matbaacılık ve Yayıncılık.
- Savaş, Ali İbrahim (1999), *Mustafa Hattı Efendi Viyana Sefaretnamesi*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Unat, Faik Reşit (1992), *Osmanlı Sefirleri ve Sefaretnameleri*, Ankara: Türk Tarih Kurumu Basımevi.

List of sources with English handwriting

- [‘Abbāsquī k̄ān] (1994) *Safarnāmeḥ-e Buḳārā* (Mohammed Shah Qajar era 1259-1260), edited by Hossein Zamāni, Tehran: Research Institute for Human Sciences and Cultural Studies.
- Abū al-Faẓl Beīhaqī (1998). *Tārīkh-e Beīhaqī*, edited by Jafar Modares Sadeghi, Tehran: Našr-e Markaz.
- Adamiyat, Fereydun (2535) *Amirkabir and Iran*, Tehran: k̄ārazmī.
- Afšār Qazvīnī, Mīrzā Ḥabībullah (2001). *Safarnāmeḥ-e Sīf ul-Molūk be Rūsīyeh*, edited by Mohammad Golbon, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Afshar, Iraj (1981) "Past and Future of Iran's Historical Documents", *Ayandeh Magazine*, Q7, No.8.
- Afyoncu, Erhan (2007), *Tanzimat Öncesi Osmanlı Tarihi Araştırma Rehberi*, Yeditepe Yayınevi.
- Akyüz, Hüseyin, "Sefaretnameler ve Sefaretname Çalışmaları Bibliyografyas".
- ‘Alavī Šīrāzī, Mīrzā Mohammad Hādī (1984) *Dalīl ul-Sofarā’*, *Safarnāmeḥ-e Mīrzā Abū al-Ḥasan k̄ān Šīrāzī be Rūsīyeh*, edited by Mohammad Golbon, Tehran: Donyā-ye Ketāb.
- Beydilli, Kemal (2007), *Sefāret ve Sefāretname Hakkında Yeni bir Değerlendirme*, *Osmanlı Araştırmaları*, xxx, p. 9-30.
- Beydilli, Kemal (2009), "Osmanlılar'da Sefaretnameler", *TDV İslām Ansiklopedisi*, vol. 36, p. 289-294.
- Bozkurt, Nebi (2009), "Sefaretname (Elçi)", *TDV İslām Ansiklopedisi*, vol. 36, p. 288-289.
- Documents
- Documents from the process of concluding the second treaty of Treaties of Erzurum (1258-1264), (1377), by Nasrollah Salehi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Documents of the Ministry of Foreign Affairs, *Savād-e Mokātebāt*, No. 72.
- Documents of the Ministry of Foreign Affairs, *Savād-e Mokātebāt*, No. 18.
- Ehsanoglu, Ikmaluddin (2018) *History of the Ottoman State: Society & Civilization*, translated by Ali Katbi and Tawfiq Hashimpour Sobhani, Tehran: Našr-e Ketāb-e Marja’.
- Elahi, Amir Saeed (2004) "Descriptive bibliography of Persian book of embassies", *Book of the Month of History and Geography*, Vol. 78-77, 12-23.
- Elahi, Amir Saeed (2011) *Parts of the History of Iranian Diplomacy (a selection of articles published by the Ministry of Foreign Affairs)*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Enveri Efferdi (2022). *The Book of Embassy of Iran (Documents, Correspondence and Protocols of the Erzurum Conference), 1259-1263 AH*, edited and translated from Ottoman Turkish, introduction, annotation and appendices. By Nasrollah Salehi and Safieh Khadiv, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
- Eqbal, Abbas (1949) "Some Travelogues of Iranian Ambassadors", Ministry of Foreign Affairs Publication, Vol. 3, Vol. 1.
- Farroḳ k̄ān Amīn al-Douleh (1967) *Majmū’eh Asnād va Madārek-e Farroḳ k̄ān Amīn al-Douleh*, edited by Karim Esfahanian and Qodratollah Roshani (Za’feranlu), Tehran: University of Tehran.
- Ġaffār, Moḥammad ‘Alī k̄ān (1373) *Rūznāmeḥ-e Safar-e Khārazm*, edited by Mohammad Hassan Kavousi Iraqi and Mohammad Nader Nasiri Moghadam, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Gozāreš-e Safar-e Kābul, *Safarnāmeḥ-e Seyyed Abū al-Ḥasan Qandahārī dar 1286 va-Asnād marbūṭ be Ān* (The report of the Kabul embassy, the travelogue of Seyyed Abul Hasan Kandahari in 1286 and related documents) (2021), edited by Mohammad Asif Fikrat Heravi, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications in collaboration with Soḳan.
- Granmayeh, Ali (2013) "Embassy of Khwarezm: The Last Iranian Delegation in Central Asia in the 19th Century", translated by Masoumeh Jamshidi, *Farhang Quarterly*, Vol. 43, 189-220.
- Gürsoy Altuniş, Belkis (2002), "Sefaretnameler", *Türkler Ansiklopedisi*, vol. 12, p.582-591/973-956.
- Gustafson, James M. (2013), "Qajar Ambitions in the Great Game: Notes on the Embassy of ‘Abbas Qoli Khan to the Amir of Bokhara, 1844", *Iranian Studies*, vol. 46, No. 4, p. 535-552.
- Ḥasan b. ‘Abdullāh Šārābī (1965). *Maḳzan ul-Vaqāye’*, edited by Karim Esfahanian and Qodratollah Roshani, Tehran: University of Tehran.

- Hedāyat, Moḥammad Ḥasan k̄ān (Moḵber ul-Saltāneh) (1996). *k̄āterāt va-k̄aṭarāt* (Tūsheh-ee az Tārīk-e Šeš Pādešāh va Gošeh-ee az Düre-ye Zendeġi-ye Man), Tehran: Intishārāt-e Zavvār.
- Hedāyat, Reżāqulī k̄ān (2006). *Safarnāmeḥ-ye k̄ārazm*, edited by Jamshid Kianfar, Tehran: Mīrāt-e Maktūb.
- Herbette, Maurice (2017), "Une ambassade persane sous Louis XIV, d'après des documents inédits avec treize planches hors texte", translated by Ali Qoli Khan Bakhtiari, Sardar Asad, edited and annotated by Seyed Mehdi Seyed Qutbi, Qom: Našr-e Maġma' al-Ḍaḳā' er al-Islāmī.
- Hossein b. 'Abdullāh Šarabi (1994) *Maġzan ul-Vaqāye'*, edited by Karim Esfahanian and Qodratollah Roshani, Tehran: Asāfir.
- Ḥossein k̄ān Neẓām al-Dawlah (1978). *Šarḥ-e Ma'mūrīyyat-e Ājūdānbāšt-e Ḥossein k̄ān Neẓām al-Dawlah*, including the text of *Safarnāma-e 'Abd al-Faṭḥ Garmrūdī*, edited by Mohammad Moshiri, Tehran: Asrafi publishing organization.
- Jalali Naceni, Mohammadreza (2011) "Embassy of Nouruddin Abdul Rahman Esfraeni", in *Parts of the history of Iranian diplomacy (a selection of articles published by the Ministry of Foreign Affairs)*, 55-64.
- Korkut, Hasan (2003). "Osmanlı Sefaretnâmeleri Hakkında Yapılan Araştırmalar", *Türkiye Araştırmalar Literatür Dergisi*, Cilt 1, Sayı 2, 491-511.
- Maden. Sedat (2008), "Türk Edebiyatında Seyahatnameler ve Gezi Yılları", *A. Ü. Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi Sayı 37* Erzurum.
- Mashaeik Faridani, Mohammad Hossein (2015) "Šāhruk's ambassador in the Deccan (a page from the history of political relations between Iran and India)", *History of Foreign Relations*, vol. 28, 111-136.
- Mīnovi, Moġtaba (2536) "Avalīn Kārevān-e Ma' refat" in *History and Culture*, Tehran: k̄ārazmī.
- Mīrzā Abū al-Ḥasan k̄ān İlētī (1985). *Ḥeiratnāmeḥ, Safarnāmeḥ-e [Mīrzā] Abū al-Ḥasan k̄ān İlētī* be London, edited by Hasan Morsal Vand, Tehran: Rasā Cultural Services Institute.
- Mīrzā Šāleḥ Šīrāzī (1968). *Safarnāmeḥ-e Mīrzā Šāleḥ Šīrāzī*, edited by Esmail Raean, Tehran: Rūzan.
- Mīrzā Šāleḥ Šīrāzī (1983) *Gozāreš-e Safar-e Mīrzā Šāleḥ Šīrāzī*, edited by Homayun Shahidi, Tehran: Rāh-Nū Publishing House.
- Mīrzā Šāleḥ Šīrāzī (1985), *Maġmū'eh Safarnāmeḥā-ye Mīrzā Šāleḥ Šīrāzī*, edited by Gholamhossein Mirza Saleh, Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān.
- Mohit Tabatabai, Seyyed Mohammad (2013) "Embassy Ritual in Ancient Times", included in "Parts of the History of Iranian Diplomacy", 39-55.
- Momtaḥen ul-Dawleh Saqāqī, Mīrzā Moḥammad Hādī k̄ān (2000) *Ma'āṭir Mahdīyya* (in the history of the establishment of the Ministry of Foreign Affairs and new principles in international relations), Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Motavali, Abdollah (2016) *Foundations, frameworks and patterns of embassy and correspondence in the Safavid period*, Arak: Arak University.
- National Documents Organization, Document No. 310/8768.
- Nur Yıldız, Sara (2012), "Persian in the Service of the Sultan: Historical Writing in Persian under the Ottomans during the Fifteenth and Sixteenth Centuries", translated by Nasrollah Salehi, in *Ottoman historiography and historians*, 221-245.
- Öztürk, Necdet (2012) "Some Considerations on Historiography in The Ottoman Empire", translated by Nasrollah Salehi, *historiography and Ottoman historians*, 91-100.
- Pakalın*, Mehmet Zeki (1993), *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, İstanbul: Milli Eğitim Basıevi.
- Panahi, Abbas (2009) "The Importance of Khwarazm's the Book of Embassy in the Travel Writing Tradition of the Qajar Era", *Book of the Month of History and Geography*, Vol. 128, 86-80.
- Quds Naḳa ī, Hasan (2011) "Sofarā' va-Sefārat dar Irān-e Bāstān ", included in " Parts of the History of Iranian Diplomacy", 9-39.
- Rastegar Fasa'ī, Mansour (2010), *Types of Persian Prose*, Tehran: Samt.
- Redhouse, James (1999), *Türkçe/Osmanlıca/İngilizce Sözlük*, İstanbul: Sev Matbaacılık ve Yayıncılık.
- Riyahi, Mohammad Amin (1989), *The Book of Embassies of Iran*, Tehran: Tūs.
- Safa'ī, Ebrahim (n.d) *One hundred historical documents (Qajar period)*, second edition, Tehran: Bābak.

- Safarnāmeḥ-e Mīrzā Faṭḥ k̄ān Garṃrūdī be Urūpā dar Zamān-e Moḥammad Shāh Qājār (1968). Edited by Fathoddin Fattahi, Tehran: Čāpkāneh-e Bānk-e Bāzargānī.
- Salehi, Nasrollah (1391) "Dürri Effendi", Encyclopedia of World of Islamic, Vol. 17, pp. 633-632.
- Salehi, Nasrollah (1998) Documents from the process of concluding the second treaty of Erzurum (1258-1264 AH), Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Salehi, Nasrollah (2012) Historiography and Ottoman Historians, Tehran: Research Institute for Islamic History.
- Salehi, Nasrollah (2015) "Some Considerations on Persian Historiography in the Ottoman Empire", historical Studies of Islam, Q8, No. 30, 119-101.
- Savaş, Ali Ibrahim (1999), Mustafa Hattı Efendi Viyana Sefaretnamesi, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Şemseddin Sami (1899) Turkish Dictionary, Islambul: İqdām Maṭba‘a-sī.
- Shahri Barabadi, Mohammad (1990) "Research on political travelogues", Mishkat Quarterly, Vol. 26, 119-140.
- Sharafī, Mahbobeh and Yari Motlaq, Meysam (2022), "Embassy in Ilkhani and Timurid Period: Obstacles and Challenges", Historical Essays, Q 13, No 2, 365-335.
- Sharfi, Mahbobeh and Yari Mutlaq, Maitham (2023), "Embassy in the Timurid period; The ceremonies of welcoming and Acceptance of ambassadors", History of Islam and Iran, Q33, No. 148, 208-183.
- Tabatabaei, Seyyed Javad (2010) An introduction to the theory of the decline of Iran, Tehran: Negāh-e Mo‘āşere.
- Teimouri, Ebrahim (2004) The Last Two Years: The Diaries of Sir John N. R. Campbell, British Envoy to in the court of Persia, 1833-1834, Tehran: University of Tehran.
- Teimuori, Ebrahim (2005) "Opinions and Beliefs: Preservation of Documents and Historiography among Iranians", Āyandeh Magazine, Q 17, No. 9-12.
- The history of the embassy of Haji Khalil Khan and Mohammad Nabi Khan to India (2000) by Gholam Hossein Mirza Saleh, Tehran: Kavir.
- Unat, Faik Reşit (1992), Osmanli Sefirleri ve Sefaretnameleri, Ankara: Türk Tarih Kurumu Basimevi.
- Vahedoost, Mahvash (2016), Iranian Literature in the Qajar Period (prose), Tehran: Sorouš.
- Woodhead, Christine (2007) "An Experiment in Official Historiography: The Post of Şehnameci in the Ottoman Empire", translated by Nasrollah Salehi, Mazdaknameh, Tehran: k̄āhān, 379-344.



Embassy and the Book of embassy in Iran-Ottoman Empire
(With emphasis on the book of embassy of Enveri Effendi and Mirza Taqi Khan)¹

Nasrollah Salehi²

Received: 2024/08/11
Accepted: 2024/10/17

Abstract

Prior to the establishment of resident ambassadors in capitals, governments selected individuals as envoys and dispatched them to other countries for specific diplomatic missions. These envoys were required to report the details of their "travels" and "diplomatic mission" in writing to the court. The writings of these dispatched envoys generally comprised two sections: a description of the travel/expedition and a report on how the mission/diplomacy was conducted and its outcomes. The writings of these dispatched envoys typically consisted a blend of travel accounts and the book of the embassy (Sefāratnāme). Alongside their diplomatic duties, the ambassadors also engaged in travel. Thus, the primary purpose was diplomacy, not tourism. The main expectation from the envoys was to fulfill their mission and provide a written report. Often, the responsibility of documenting the protocols, letters, and reports fell to skilled secretaries and scribes. The collective writings of the dispatched envoys served as the book of the embassy. The embassy and the book of the embassy in Iran and the Ottoman Empire are important issues in the field of political history and diplomacy.

This essay aims to address the aforementioned topic with a descriptive report and to clearly illuminate its unknown aspects. According to the findings of the research, despite the long history writing of the book of embassy in Iran, "the book of embassies" has been incorrectly defined as "travelogues." The study of "embassy and the book of embassy" has also been overlooked, and consequently, research related to the "history of diplomacy" has remained weak. For two reasons: the lack of publication of original documents related to the history of foreign relations, especially the book of embassies of ambassadors and envoys dispatched to other countries, and the other misinterpretation of "travelogues" as "the book of embassies"

Keywords: Travelogue, Embassy, The book of embassy, History of diplomacy, Iran, Ottoman empire.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.44240.2818

2. Associate Professor, Department of History, Farhangian University, Tehran, Iran.
n.salehi@cfu.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507